

"حضرت آیت الله العظمی ملک حسینی و حقوق شهروندی"

علیرضا کاظمی راد^۱

چکیده

حقوق شهروندی از جمله موضوعات مهم و پر دامنه در حقوق بین‌المللی و حقوق ملل است و ناظر به همین اهمیت، آن را در شمار مباحث محوری حقوق معاصر قرار داده‌اند. این اهمیت تا جایی است که رسیدن به یک حکومت مردم سالار و دموکرات مستلزم وجود جامعه‌ای است که مردم آن علاوه بر بلوغ دموکراتیک، به حقوق و تکالیف شهروندی خود واقف باشند. آزادی عقیده، آزادی بیان، تساوی در مقابل قانون، مصون بودن جان، مال، مسکن و شغل از تعرض، انتخاب شغل دل‌خواه، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش رایگان و حق دادخواهی از جمله مهمترین مصادیق حقوق شهروندی هستند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بندهای متعددی، مصادیق حقوق شهروندی ذکر و بر رعایت آنها تأکید شده است. مرحوم حضرت آیت الله العظمی ملک حسینی (ره) به عنوان فقیهی مردمدار، همواره حامی مدافع حقوق شهروندان به ویژه اقشار محروم جامعه بودند و از صرف مال و آبروی خود در این راه دریغ نداشتند. مقاله پیش رو، ضمن تبیین علمی موضوع حقوق شهروندی، به بررسی دفاع مرحوم حضرت آیت الله العظمی ملک حسینی (ره) از حقوق شهروندان دارد.

کلمات کلیدی: شهروند، حقوق شهروندی، قانون اساسی، آیت الله ملک حسینی

^۱. دانش آموخته سطح ۳ کلام اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه

مقدمه (واژه شناسی)

برای پرداختن به موضوع حقوق شهروندی باید ابتدا مراد و مفهوم لغوی و اصطلاحی دو واژه «حقوق» و «شهروند» تبیین گردد. حقوق از نظر لغوی جمع حق است و آن اختیارات، توانایی‌ها و قابلیت‌هایی است که به موجب قانون، شرع، عرف و قرارداد برای انسان‌ها لحاظ شده است و در اصطلاح، اصول، قواعد و مقرراتی است که روابط انسانها را با هم در حقوق خصوصی و روابط فرمانروایان و فرمانبران را در حقوق عمومی و اساسی تنظیم می‌کند.^۲

واژه شهروند نیز ریشه‌ای لاتین داشته است. در زبان فرانسه کلمه (Citoyen) از شهر (Cite) می‌آید و (سپته) از واژه‌ی لاتینی سیویتاس (Civitas) مشتق است. سیویتاس در زبان لاتینی تقریباً معادل کلمه (Polis) در زبان یونانی است که همان شهر است و البته مراد از آن صرفاً اجتماعی از ساکنین نیست، بلکه واحدی سیاسی و مستقل به شمار می‌آید. شهروند فقط به ساکن شهر گفته نمی‌شود تا همه افراد را شامل شود؛ به طور مثال در رم قدیم و آتن، همه ساکنان، خصلت شهروندی را نداشتند. آن کسی شهروند به شمار می‌رفت که شرایط لازم برای مشارکت در اداره امور عمومی شهر را دارا می‌بود.^۳ در زبان فرانسه، غالباً شهروند در نقطه مقابل رعیت به کار می‌رود. به تدریج، دولت-کشور^۴ جای دولت - شهر^۵ را گرفت و مفهوم شهروند به مفهوم دولت - کشور وابسته شد.^۶

اما اصطلاح شهروندی از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد.^۷ اسلام به عنوان یک دین فراگیر که به همه ابعاد زندگی بشر توجه نموده است، دستورات صریح و شفافی برای روابط اجتماعی انسان‌ها دارد و نه تنها به کمال معنوی انسان‌ها توجه نموده است بلکه به چگونگی ساختن جامعه‌ای نمونه نیز توجه دارد. از جمله مسائل مهم حقوق شهروندی در اسلام توجه به کرامت انسانها به عنوان اشرف مخلوقات، ارزش حیات و زندگی افراد، برابری بدون توجه به نژاد، رنگ، پوست و ...، هدفمند نمودن خلفت انسانها و بیهوده نبودن زندگی انسان می‌باشد.

در هر جامعه‌ای بالضروره حکومتی وجود دارد و در هر حکومت دو گروه عمده را می‌توان تشخیص داد. نخست، گروه حاکم، که در حکم فرماندهان جامعه هستند و دوم، سایر افراد جامعه که محکوم به تبعیت از گروه نخست هستند (فرمانبران). البته هر کدام از دو گروه در جوامع و دوره‌های مختلف عناوین مختلفی به خود می‌گیرند. هر کدام از این

^۲ - استوار سنگری، کورش (۱۳۸۴)، حقوق تأمین اجتماعی، نشر میزان

^۳ - O'leary, S. & Tiilikainen, T., Citizenship and Nationality Status in the New Europe, London, Sweet & Maxwell, ۱۹۹۸, p 88.

^۴ - state - state

^۵ - city - state

^۶ - پللو، روبیر، شهروند و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، ص ۱

^۷ - فالکس، کیث، شهروندی، ترجمه ی محمد تقی دلفروز، ص ۹۷

عناوین حقوق و وظایف خاصی را ایجاب می‌کند. در صورتی که حاکم عناوینی چون سلطان، ارباب و امپراتور داشته باشد، فرمانبران خود را رعیت می‌دانند که باید بی چون و چرا از دستورات حاکم تبعیت کنند. در این حالت معمولاً حاکمان خود را از گوهر و نژاد برتر دانسته و خود را ملزم به پاسخگویی به رعیت نمی‌دانند. در حالی که دولت، قدرت خود را ناشی از ملت دانسته و در مقابل ملت مسئولیت دارد. شهروند نیز برخلاف رعیت، از حقوق و تکالیف متقابل در ارتباط با دولت برخوردار است. از جمله حقوق او می‌توان آزادی عقیده، آزادی بیان، تساوی در مقابل قانون، مصون بودن جان، مال، مسکن و شغل از تعرض، تشکیل اجتماعات، انتخاب شغل دل‌خواه، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش رایگان، حق دادخواهی، حق تابعیت و حق اقامت را نام برد.^۸

از نظر قرآن انسان موجودی است برگزیده از جانب خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر که وجودش از ضعف و ناتوانی آغاز می‌شود و به سوی قوت و کمال سیر می‌کند و بالا می‌رود اما جز در بارگاه الهی و جز با یاد او آرام نمی‌گیرد. ظرفیت علمی و عملی‌اش نامحدود است، از شرافت و کرامتی ذاتی برخوردار است، احياناً انگیزه هایش هیچگونه رنگ مادی و طبیعی ندارد، حق بهره‌گیری مشروع از نعمت‌های خدا به او داده شده است ولی در برابر خدای خویش وظیفه دار است.^۹

در جهان بینی الهی، انسان همانند سایر موجودات عالم خلقت نیست، بلکه او از امتیازات خاصی برخوردار است که مشابه آن به هیچ موجود دیگری اعطا نشده است. بنابراین در دین آسمانی نه تنها هرگز انسان به دست فراموشی سپرده نمی‌شود، بلکه انسان گرایی واقعی به معنای کمال توجه به رشد و اعتلای انسان و پرهیز از قربانی کردن او در برابر هر امر دیگر، فقط در ادیان الهی وجود دارد.^{۱۰}

البته تمامی عظمت‌های انسان ناشی از تعلق بُعد عمیق تر وجود او به آستان ربوبی است و شکوفا شدن استعدادهای عالی و برتر او صرفاً از طریق برقراری این رابطه و توجه به اصل و مبدأ خویش، در نظام تربیتی خاص الهی امکان پذیر است. لذا انسان بریده از خدا را نمی‌توان مشمول این اوصاف و حقوق دانست. نظام روابط بین المللی از دیدگاه فقهی، مردم جهان را به چهار دسته مختلف یعنی مسلمان، اهل کتاب (یهود و نصاری)، کسانی که اهل کتاب بودن ایشان محل شبهه است (صابئین، بودائی‌ان و زرتشتیان) و کافر (حربی و غیر حربی) تقسیم می‌کند. در این تقسیم بندی، در مرحله اول مسلمانان (به صورت تبعه ذاتی)، شهروندان تمام عیار دولت اسلامی اند؛ در مرتبه ی دوم، اهل کتاب و اصحاب وحی به طور مشروط از حمایت قانونی برخوردارند، و در مرحله آخر، کفار و مشرکان (به عنوان بیگانه از اسلام) که از منظر فقهی اقلیت دینی به شمار نمی‌روند.^{۱۱}

^۸ - آشوری داریوش، دانشنامه سیاسی ویرایش دوم، ص ۱۴۷

^۹ - خلیلیان، سید خلیل، حقوق بین الملل اسلامی، ص ۱۰۲

^{۱۰} - شبیانی، ملیحه، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه، و تأمین اجتماعی، فصلنامه ی حقوق تأمین اجتماعی، س اول، ش ۱

^{۱۱} - شریعتی، روح الله، حقوق اقلیت ها در حکومت نبوی، فصلنامه ی تخصصی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، س نهم، ش ۳۵، ص ۶۴

مبنای نظام حقوقی اسلام

بر اساس تعالیم اسلامی هدف غایی دین، انسان سازی و حفظ کرامت انسان‌ها است. انسان در دین مبین اسلام تا اندازه‌ای از کرامت و ارزش برخوردار است که خداوند به او مقام «خلیفه الهی» اعطا کرده است. خداوند در آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ «و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) بر نشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». مبنای برتری انسان در تعالیم اسلامی نه نژاد و قوم و رنگ و... که تقوای الهی است. چنانکه خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات نیز تصریح می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»؛ «ای مردم؛ بی تردید ما همه افراد نوع شما را از یک مرد وزن (آدم و حوا) آفریدیم و شما را قبیله‌ای بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر بشناسید مسلماً گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست». مبنای رسالت پیامبر اسلام (ص) نیز بر دو اصل کرامت و برابری انسان‌ها استوار بود. ظهور اسلام و تعالیم پیامبر (ص) در جامعه‌ای که قومیت، نژاد و طبقه اجتماعی مبنای نظام اجتماعی آن را تشکیل می‌داد، تحولی عظیم به وجود آورد.

بر اساس آموزه‌های اسلامی و پیامبر اسلام، میان فقیر و غنی، سیاه و سفید، برده و ارباب تفاوتی وجود ندارد و انسان به حکم انسان بودنش دارای ارزش و کرامت شناخته شد. بنابراین قوانین اسلامی بر محور کرامت انسان شکل گرفته است. در اسلام برای انسان در جایگاه‌ها و موقعیت‌های متفاوت حقوق متعددی در نظر گرفته شده است.^{۱۲}

در این رابطه تعالیم و سیره پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه (ع) در حکومت‌داری را می‌توان الگوهایی در بردارنده مولفه‌های حقوق انسانی برشمرد. حقوق بشر و حقوق شهروندان حکومت اسلامی نیز در دل این حقوق انسانی نهفته است.

در جامعه بدوی عربستان جاهلی که زنده به گور کردن دختران امری طبیعی به شمار می‌آمد، تاکید بر آزادی بیان، عقیده و مذهب، برابری سیاه و سفید، حقوق بردگان و حتی حقوق حیوانات طلیعه تعالیمی پیشرو و مرقی را نمایان ساخت. همچنین حقوق مردم بر حکومت و حکومت بر مردم در بخش‌هایی از تعالیم و آموزه‌های اسلامی بیان شد و مورد تاکید قرار گرفت.

اصل برابری مردم با یکدیگر (از هر نژاد و رنگ و قوم و...) از مهمترین مولفه‌های شناخته شده حقوق شهروندی در دنیا محسوب می‌شود. اصل برابری مردم و حتی برابری حاکم و مردم در جای جای نامه توصیه‌آمیز امام علی (ع) به مالک اشتر به چشم می‌خورد. در بخشی از نامه آمده است: مردم دو گروه هستند یا همکیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش.^{۱۳}

^{۱۲} - ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین الملل، ص ۴۹

^{۱۳} - نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح، عهدنامه مالک اشتر: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ».

حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

الف: قبل از انقلاب اسلامی

در ایران تا قبل از مشروطیت، به جای واژه «شهروند» از کلمه «رعیت و رعایا» استفاده می‌شد.^{۱۴} واژه شهروند معمولاً همراه با واژه دولت مطرح گردید و ظهور آن را می‌توان مصادف با پیدایش نخستین دولت‌های ملی دانست. با نگاهی به تاریخچه نظام اجتماعی ایران و ساختار حکومتی آن می‌بینیم در گذشته مردم به عنوان رعیت، از حقوق و امتیازات محدودی برخوردار بودند. زیرا که حاکمان خود را از نژادی برتر می‌دانستند و حکومت حاکم بر خلق خدا، به اراده و مشیت خداوند شمرده می‌شد و جنبه الوهیت پیدا کرده بود، چرا که در ایران نیز مانند همه ممالک جهان قبل از پذیرش اصل حاکمیت ملی و اجتماعی، نظریه حاکمیت الهی پذیرفته و اعلام شده بود. به موجب این اصل، منشأ دولت، اراده و مشیت خداوند است و سلاطین نمایندگان هستند از جانب پروردگار که اداره امور عمومی به آن‌ها سپرده شده است و بنا به عرف حکومت، سلاطین در مقابل خداوند مسئول می‌باشند نه در مقابل ملت. قدرت شاهنشاهان چه در ایران باستان و چه در دوران بعد از اسلام محدود نبود. تنها عاملی که قدرت اجرایی آنان را می‌توانست محدود نماید، دستورهای دینی و سنت و اخلاق و احیاناً سازمان‌هایی همچون شورای سلطنت و مجالس نجبا و اشراف بود.^{۱۵}

این روند تقریباً تا قرن دوازدهم هجری ادامه داشت؛ از این دوره به بعد نظر به برقراری ارتباط اقتصادی و سیاسی با کشور های اروپایی و تأثیر انقلاب صنعتی غرب در اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سرانجام سیاسی ایران از یک سو و عوامل داخلی همچون سیاست داخلی و قیام های نظامی طوایف و سران ایلات و حکام محلی از سوی دیگر، زیر بنای تغییر نظام سیاسی در ایران را فراهم ساخت. سرانجام انقلابات عمومی قرن چهاردهم به حکومت مطلقه شاهان ایران خاتمه داد و سلطنت مشروط و محدود به قانون ملی جایگزین آن گردید. نهضت تاریخی و انقلابی ایران در آغاز قرن چهاردهم و به دنبال آن صدور فرمان مشهور مورخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری از طرف مظفرالدین‌شاه سر آغاز فصل نوینی در تاریخ حکومت ایران گردید. حقوق افراد ملت و اصول حکومت به موجب قانون اساسی که به تاریخ ۸ دیماه ۱۲۸۵ شمسی برابر ۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴ هجری قمری و متمم آن در مهر ماه ۱۲۸۶ شمسی برابر با ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری به تصویب مجلس رسید، تابع اصل حاکمیت قانون گردید. هر چند دیری نپایید که این دستاورد عظیم ملت دستخوش انحراف گردید به گونه‌ای که استبداد در جامعه حاکم گردید. روز به روز از حق حاکمیت ملت بر سرنوشتشان کاسته شد و از قانون فقط سیاهه‌ای بر کاغذ باقی ماند و بر فاصله میان مردم و حاکمان افزوده شد که زمینه ساز وقوع انقلاب اسلامی گردید.

ب: بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شمسی به رهبری حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ شمسی با رأی مثبت ۹۸/۲ درصد کسانی که حق رأی داشتند، شکل حکومت کشور،

^{۱۴} - رضایی پور، آرزو، حقوق شهروندی، ص ۹

^{۱۵} - شجیعی زهرا، نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، ص ۸۴

اولین کنگره ملی بزرگداشت آیت ... سید کرامت ... ملک حسینی (ره) ۴ آبان ۱۳۹۶

جمهوری اسلامی تعیین گردید و مجلس خبرگان، متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از سوی گروه‌های مختلف مردم رسیده بود، در دوازده فصل و یکصد و هفتاد و پنج اصل به پایان رساند.

البته قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ بازنگری شده و تغییراتی در برخی اصول بوجود آمد و در حال حاضر مشتمل بر چهارده فصل و یکصد و هفتاد و هفت اصل می باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی با تکیه بر جهان بینی و ایدئولوژی الهی و با شناخت ابعاد وجودی انسان، حقوقی را برای فرد برشمرده است که توجه به آنها می تواند شناخت و بصیرت انسان را برای ایجاد ارتباط درست و منطقی با دولت و همچنین در ارتباط با افراد دیگر اجتماع افزایش دهد و موجب سلامت و اعتدال جامعه گردد. «تساوی حقوق»، یکی از مهمترین اصل‌های قانون اساسی است. مطابق اصل ۱۹ قانون اساسی «مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». در اصل بیستم نیز آمده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

هر نظام سیاسی بر اساس ماهیت، اهداف، ارزش‌ها و هنجارهای خود، مولفه‌های متفاوتی را برای حقوق شهروندی به رسمیت می شناسد و تعریف ویژه خود را از حقوق شهروندی ارائه می دهد. از دید بسیاری از صاحب‌نظران، نگاه تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مقوله حقوق شهروندی مبتنی بر آموزه های اسلامی از یک سو و مردم‌سالاری شناخته شده در دنیای امروز از سوی دیگر بوده است.

حقوق بشر به طور کلی و حقوق شهروندی به طور جزئی در مبانی حقوقی اسلام و نظام‌های مردم سالار شناخته شده در دنیا از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

با توجه به اینکه انسان به خودی خود در اسلام و نظام های مردم سالار از ارزش والایی برخوردار است، مولفه های حقوق شهروندی در این دو نظام دارای اشتراکاتی است. در این ارتباط، نظام جمهوری اسلامی در ایران که بر محورهای اسلام و مردم سالاری استوار شده، از اصول و مولفه‌های هر دو در تدوین قانون اساسی خود بهره گرفته است. به طوری که می‌توان ساختار قانون اساسی کشورمان را الهام گرفته از ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و دموکراتیک دانست.

البته ناگفته نماند به رغم این مزیت، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران کامل و بدون نقص نیست. زیرا چالش‌ها و کاستی‌های موجود در مسیر احقاق حقوق شهروندان، در موارد گوناگون، ضعف ساختارهای حقوقی و همچنین مصداق‌هایی از اجرا نشدن کامل مفاد قانون اساسی را در طول سالیان گذشته نمایان ساخته است.

جایگاه شهروندی در مکتب سیاسی امام خمینی (ره)

«شهروندی» را به عنوان «نمودی از نقش مردم در نظام سیاسی»، می‌توان یکی از شاخصه‌های مهم مکتب سیاسی امام خمینی (ره) دانست. در نگاهی کلان به مکتب سیاسی امام خمینی(ره)، هرچند اصالت اسلامی و محوریت حاکمیت الهی و به تبع آن ولایت معصومین (ع) و در دوره غیبت، ولایت فقیه صاحب شرایط در کانون گفتمان امام

خمینی (ره) قرار دارد، اما برخلاف نظریه‌های دوران کلاسیک اسلامی حتی نظریه‌هایی که بر ولایت عامه و مطلق فقها تاکید کرده‌اند، مردم نیز نقشی اساسی در این مکتب یافته‌اند. گزاره‌های بسیاری را در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی (ره) می‌توان ارائه نمود که مردم به صورت جدی در نظام سیاسی اسلامی مطرح هستند.^{۱۶}

در شناسایی مکتب سیاسی امام خمینی (ره) اصول کلانی چون اسلام، جمهوریت، حکومت اسلامی و ولایت فقیه محوریت دارند. «ولایت فقیه» را به عنوان نظام سیاسی مطلوب شیعی در عصر غیبت می‌توان در سراسر نوشته‌ها و آثار امام خمینی (ره) یافت. تلقی‌های صورت گرفته از اندیشه و نظریه سیاسی امام خمینی (ره) نیز حاکی از اهمیت کانونی ولایت فقیه در نظریه سیاسی ایشان است.

نوع شهروندی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نیز از نوع شهروندی فعال متعهد است. در دنیای مدرن عمدتاً بر فرهنگ سیاسی فعال تاکید می‌شود که در فرهنگ مدنی اغلب با فرهنگ‌های تبعی محدود تعدیل می‌شود. اما در تفکر امام خمینی (ره) مشارکت فعال به صورت الگوی غربی کافی نیست و افراد علاوه بر حق مشارکت فعال، یک وظیفه و تکلیف دینی نیز برای حضور فعال دارند. این امر موجب می‌شود تا فرهنگ مشارکتی فعال، متعهدانه نیز باشد. مروری بر آرا و دیدگاه‌های سیاسی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که از نظر وی هر فرد مسلمان می‌بایست به صورت فعال و تعیین کننده در صحنه حضور داشته باشد.

اما برخلاف فرهنگ تبعی این امر بدان جهت نیست که صرفاً افراد بر اساس وفاداری به نخبگان در عرصه سیاسی حضور می‌یابند. بلکه یک باور فراگیر دینی است که تک تک افراد جامعه را ملزم می‌کند که در عرصه سیاسی حضور یابند. تکلیف‌گرایی بدین‌سان موجب حضور فعال، اما متعهدانه فرد در عرصه زندگی سیاسی می‌گردد. امام خمینی (ره) در تاکید بر چنین تعهد و تکلیفی است که اظهار می‌دارند ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم. این تکلیف از واجبات مهم است؛ حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود.

غایت شهروندی در نگرش امام خمینی (ره) سعادت و تکامل بشری است که در پیوستن انسان به عالم قدسی حاصل می‌شود. لذا غایت نهایی، خداوند است. هر چند مقصدهایی چون عدالت نیز مطرح است، اما عدالت، غایت قصوی نیست. همه اینها مقدمه این است که آرامش در جامعه ایجاد شود و به دنبال آرامش، سیر روحی ممکن گردیده و نهایتاً هدایت به سوی خدا محقق گردد. آن چیزی که اساس است سیر الی الله و توجه به خدا است. همه عبادات برای او است، همه زحمات انبیا از آدم تا خاتم برای این معناست که سیر الی الله تحقق یابد.

آنچه در بالا تبیین شد در حوزه تئوری و نظر بود اما در حوزه عمل نیز امام خمینی (ره) تساوی همه افراد جامعه در داشتن برخورداری از حقوق اساسی را همواره مورد تأکید قرار داده‌اند. ایشان در صحیفه جلد ۲۰ صفحه ۳۴۰ و ۳۴۱ در خصوص فقرا و مستمندان و ستمدیدگان جامعه و اقشار زحمت‌کش این چنین فرمودند: «بزرگترین هدیه و بشارت،

^{۱۶} - عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اقلیت‌ها، ص ۹۹

آزادی انسان از اسارت فقر و تهی دستی به و نیز بیان این حقیقت است که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری از این جهت بر فقرا ندارند و ابدأ اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت.^{۱۷}

همچنین ایشان در جای دیگری در خصوص منع تبعیض در اسلام فرموده‌اند: «من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام نژاد، زبان، قومیت و گروه و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین - چه اهل سنت و چه شیعی - برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزیا و حقوق اسلامی هستند. از جمله جنایتهایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده اند ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعی است. من از همه برادران اهل سنت تقاضا دارم که این شایعات را محکوم نمایند».^{۱۸}

از نظر امام خمینی (ره)، برخورداری از حقوق اجتماعی در جامعه بر اساس تابعیت کشور است و تمام شهروندان ایرانی از حقوق اجتماعی برخوردارند و در این زمینه، اقلیت‌های مذهبی نیز همچون مسلمانان، از این حقوق برخوردارند. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی براساس مذهب، در جامعه توزیع نمی‌شود: «هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذاهب دیگر فرق ندارد».

انواع حقوق شهروندی

پس از پرداختن به جایگاه حقوق شهروندی در تعالیم اسلامی و نیز دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، پرداختن به انواع حقوق شهروندی و نیز گزاره‌های این حقوق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضروری جلوه می‌نماید. حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، حقوق فرهنگی و حقوق قضایی می‌شود.^{۱۹}

حقوق مدنی

این حقوق شامل موارد متعددی است مانند حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد و ...^{۲۰}

حقوق سیاسی

حقوق سیاسی حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت ضروری است و مواردی از جمله حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات، امکان فعالیت‌های سیاسی و... را در بر می‌گیرد.

حقوق اقتصادی اجتماعی

حقوق اقتصادی اجتماعی شامل حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی و... می‌شود.

^{۱۷} - صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۲۰، صفحه ۳۴۰ و ۳۴۱

^{۱۸} - همان، جلد ۱۶، صفحه ۴۴۳

^{۱۹} - حقوق اساسی و حقوق شهروندی، فصلنامه دبیرخانه علوم اجتماعی؛ سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان شماره ۲، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۵

^{۲۰} - سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، ص ۷۳

حقوق فرهنگی

حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت ها، حق دست یابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت ها و شیوه های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین المللی، احترام به تفاوت های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم ترین مصادیق حقوق فرهنگی است.

حقوق قضایی

بهره مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی و حق انتخاب وکیل از مهم ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می گردد.

گزاره های حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۲۱}

فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۲۳ اصل حقوق ملت را به رسمیت شناخته است.

در اصل نوزدهم قانون اساسی حق برابری مردم از هر نژاد و رنگ و زبان و ... به رسمیت شناخته شده است.

اصل بیستم حقوق برابر انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی را برای زن و مرد در نظر گرفته است.

اصل بیست و یکم حقوق مربوط به حمایت از خانواده را به رسمیت شناخته است.

اصل بیست و دوم بر مصون بودن حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض، مگر در مواردی که قانون تجویز کند، مبتنی است.

اصل بیست و سوم، حق آزادی عقیده را به رسمیت شناخته و می گوید هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم، بر آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، مشروط به مخالف نبودن با مبانی اسلام یا حقوق عمومی تاکید کرده و در توضیح آن می نویسد: تفصیل آن را قانون معین می کند.

اصل بیست و پنجم، بر ممنوعیت تجسس، استراق سمع، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس و سانسور، مگر به حکم قانون تاکید دارد.

اصل بیست و ششم بر آزادی فعالیت های حزبی و صنفی مشروط به نقض نکردن استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی مبتنی است.

^{۲۱} - بخشنامه حقوق شهروندی؛ قوه قضائیه

اولین کنگره ملی بزرگداشت آیت ا... سید کرامت ا... ملک حسینی (ره) ۴ آبان ۱۳۹۶

اصل بیست و هفتم، آزادی تجمع‌ها و راهپیمایی‌ها را (مشروط به حمل نکردن سلاح و مخالف نبودن با مبانی اسلامی) به رسمیت شناخته است.

اصل بیست و هشتم، بر آزادی انتخاب شغل در صورت مخالف نبودن با اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران تاکید دارد.

اصل بیست و نهم، حق برخورداری از تامین اجتماعی را برای همه اقشار و گروه‌ها تضمین می‌کند.

اصل سی ام، حق آموزش رایگان را برای همه ملت به رسمیت می‌شناسد.

اصل سی و یکم، بر حق داشتن مسکن برای همه افراد و خانواده‌های ایرانی تصریح دارد.

اصل سی و دوم، آورده است که هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم، بر ممنوعیت تبعید افراد مگر به حکم قانون تاکید دارد.

اصل سی و چهارم، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه را برای افراد ملت به رسمیت می‌شناسد.

اصل سی و پنجم، بر حق برخورداری مردم از وکیل تاکید دارد.

اصل سی و ششم قانون اساسی آورده است که حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم بر براءت همه افراد مگر در صورت اثبات جرم در دادگاه تصریح دارد.

اصل سی و هشتم بر ممنوعیت شکنجه برای گرفتن اقرار، سوگند یا شهادت ناظر بوده و تاکید شده که متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم قانون اساسی بر ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت کسانی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده‌اند، تاکید دارد.

اصل چهل ناظر بر این اصل است که هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهل و یکم بر حق برخورداری از تابعیت و ممنوعیت لغو آن برای ایرانی‌ها، مگر به درخواست خود یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید مبتنی است.

دفاع حضرت آیت الله ملک حسینی از حقوق شهروندی افراد

مرحوم آیت الله ملک حسینی که از علماء مجاهد و مبارز سده اخیر می‌باشند یکی از پیشگامان عرصه دفاع از حقوق شهروندی آحاد جامعه بوده‌اند و حقیقتاً می‌توان اذعان داشت که همه عمر شریف ایشان در راه دفاع از حقوق مردم سپری شد؛ این امر هم در دوران طاغوت و حکومت ظالمانه پهلوی و هم در دوران پس از انقلاب اسلامی به شکل پر رنگی در زندگی ایشان تبلور داشته است.^{۲۲} در دوران تاریک رژیم شاهنشاهی که نه تنها اساساً «حقوق شهروندی» هیچ جایگاهی در بینش و اندیشه حاکمیتی آنها نداشت بلکه حتی حقوق طبیعی و ابتدائی مردم خصوصاً عشایر جنوب کشور سرکوب می‌شد، نقش مرحوم آیت الله العظمی ملک حسینی در احیاء حقوق این بخش از جامعه غیر قابل انکار است. معظم له در آن دوران خفقان، در حمایت از مبارزات بر علیه رژیم ستمشاهی و در راه رسیدن مردم به حقوق اولیه و ابتدائی‌شان همه توان خود را صرف نمودند؛ و در مسیر رسیدن به حق برخورداری از استقلال و آزادی و امنیت روانی، اخلاقی و معنوی لحظه‌ای از مبارزه در قالب سخنرانی یا اعلامیه و بسیج مردم دست بر نداشتند. غائله خونبار مسجد حبیب شیراز گوشه‌ای از اقدامات و تلاشهای ایشان بوده است که البته در این راه متحمل شکنجه و زندان نیز شدند.^{۲۳}

بعد از انقلاب اسلامی هم معظم له هیچگاه دست از دفاع از حقوق عامه مردم برای رسیده به حقوق حقّه آنها برنداشتند و حتی خانه ایشان مأمن و پناهگاهی بود برای کسانی که راه رسیدن به حقوق خود را دامن گستران آن مرد الهی برای دفاع از خود می‌دانستند. «مدرسه خان» شاهد و گواه برنامه‌ها، تلگراف‌ها و سخنرانی‌های ایشان بر دفاع از هر شهروندی است که برای رسیدن به حقوق فردی و اجتماعی خود به سراغ ایشان می‌رفت.^{۲۴}

کمتر مسئول مملکتی بوده است که از نامه‌های ایشان با خط مثال زدنی‌اش برای دفاع از مردم، خاطره و یادى نداشته باشد.^{۲۵}

مردم استان کهگیلویه و بویراحمد بیش از همه می‌دانند که سفره گسترده و با کرامت آن مرد الهی همیشه برای دفاع از حقوق آنها گسترانیده بود و هر کسی می‌توانست حتی به قدر درد دل کردنی و یا گلایه و شکوه‌ای به محضرشان شرفیاب شده و سفره دل پهن کند و ایشان همواره همچون پدری مهربان گوش شنوایی داشتند و به قدر مقدور رهنمود می‌دادند و در دفاع از مردمش و جامعه اش و دفاع از حقوق آنها گاه فریاد می‌کشیدند. معظم له گاه سفرها می‌کرد تا پیام مردمش را برساند و عمق محرومیت و مظلومیت آنها را فریاد بزند؛ حتی بعضاً به مناطقی صعب العبور و دور افتاده سفر می‌نمود که امکان عبور وسیله نقلیه نبود و ایشان مجبور بودند با احشام سفر کند تا درد مردمش را بشنود و حقوق از دست رفته آنها را احیاء نماید.

گاه ایشان نامه می‌نوشتند تا کسانی که سایه شوم ظلم خوانین، آنها را در محرومیت عمیق فرو برده بود به حقوق اولیه‌شان دست پیدا کنند.^{۲۶} گاه مسئولین کشوری و استانی را با خود به روستاها و مناطق دور افتاده و محروم می‌

^{۲۲} - پیوست شماره ۱

^۳ نپی‌پوش‌ماره ۰

^۴ نپی‌پوش‌ماره ۳

^۵ نپی‌پوش‌ماره ۴

^۶ نپی‌پوش‌ماره ۵

اولین کنگره ملی بزرگداشت آیت ا... سید کرامت ا... ملک حسینی (ره) ۴ آبان ۱۳۹۶

بردند تا عمق محرومیت را با چشم ببینند و با همه وجود لمس کنند و گامی برای رفع فقر و محرومیت که یادگار حکومت ستمشاهی و ظلم خوانین بود بردارند.

مرحوم آیت الله ملک حسینی در مراعات و مناقشات محلی و منطقه‌ای همانند پدری مهربان نصیحت می‌کرد و دلسوزی می‌نمود و در حرکت مردم برای رسیدن به آرمان‌های اخلاقی و اجتماعی‌شان همچون یک رهبر رهبری می‌کرد.

نقش رهبری ایشان در میان مردم و ارادتمندانش از چنان جایگاه کم نظیری برخوردار بوده که زبان تحسین همگان را برانگیخت و امروز اگر غبار محرومیت و فقر و سایه نکبت بار عقب ماندگی تا اندازه‌ای از سر مردم استان رخت بر بسته به برکت حمایت‌ها، هدایت‌ها و رهبری و دفاع جانانه آن مرد بزرگ و الهی بوده است. اگر فرزندان این منطقه از کشور در مناصب ملی و حاکمیتی به خوبی درخشیده و می‌درخشند حتما نقش مرحوم آیت الله ملک حسینی در توجه حاکمیت به استعداد توانمند و غیر قابل انکار این بخش از جامعه برجسته و ویژه بوده است

آری مناصب و مسئولیت‌های خطیر، هرگز او را از مردمش جدا نکرد و هرچه بار مسئولیت بیشتر شد نقش وی در دفاع از حقوق شهروندی مردمش و جامعه اش بیشتر و پر رنگ تر گردید.

خدایش بیامرزد.

پیوست‌ها

پیوست شماره ۱:



«همسار فرمانداری نظامی شیراز»
کمیته فرهنگی

شماره ۱۳۸۸۷
تاریخ ۱۳۸۸



وزارت کشور

دهربانی کهورماختی

شهربانی استان فارس

شماره ۵۱۳۸-۸

تاریخ

پیوست

تلفن ۲۲۵۷۶-۲۲۵۷۷-۲۲۵۷۸

از

به

در باره

از شهربانی استان فارس (اطلاعات و ماسکن

به فرمانداری نظامی شهرستان شیراز

درباره وقایع شیراز

از ساعت ۰۸۰۰ روز جاری طبق دعوت سید کرامت‌الملک حسینی حدود ۱۲۰۰ نفر از جوانان و طبقاً تم مختلف در مسجد حبیب‌واقع در رشت‌میدان ترم‌پار شیراز اجتماع پس از سخنرانی و توزیع اعلامیه مضر جمعیت‌هنگام خروج از مسجد مبادرت به تظاهرات نمود و با مویرن فرمانداری نظامی حمله‌ی نمایندگی که چون با اخطار ما مویرن مذکور متفرق نمی‌شوند از گاز اشک‌آور استفاده و سپس تیراندازی‌هایی می‌نمایند که منجر به مقتول و چند نفر مجروح میگردد.

رئیس شهربانی استان فارس / اشکرالاری

گیرنده

✓ راست ازمان اطلاعات و امنیت فارس جهت استحضار

راستادار اطلاعات جهت استحضار

پیوست شماره

۲:

۶۴۷۰

۲۱۵

بسمه تمالی

جناب آقای مهندس بازرگان نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران
رونوشت ۱- جناب آقای صباغیان وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران
۲- جناب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی
۳- جناب آقای وزیر اقتصاد و دارائی جمهوری اسلامی ایران
پس از ابلاغ سلام بشما و حامیان انقلاب اسلامی و خبری در یاسوج مرکز استان کهگیلویه و
بویراحمد منتشر که اداره امور اقتصادی و دارائی استان منحل و بدارائی شهرستان مستقل تبدیل
و یا انضمام بفارس گردد *

انتشار این خبر قاطبه ملت را منقلب و مضطرب نمود و اینجانب قاطع است که این تصمیمات -
منتشره واقعیتی نداشته و چون ضربه بر حیثیت استان تلقی شده و عکس العمل ناگواری را در بر
خواهد داشت *

افراد ی که این افکار را حتی در ذهن خود پیروانند روح انقلابی نداشته و نسبت به اهالی
استان که سراپا عاشق و علاقمند بانقلاب اسلامی بوده و رهبری امام خمینی را با قاطعیت تا
آخرین نفس با جان خود آمیختنند هتک و بی اعتنائی روا داشته و شخص اینجانب این نظریه
را سخت تقبیح و تخطئه می کنم *

و ممتقدم با احساسات پاک و بی شائبه ملت این استان که امید است تا قیام دولت حقه
حضرت مهدی (عج) از ذخائر این مملکت باشند اینج و ارزش بگذارند و موجبات تواراحتی و مایوسی از
این انقلاب را در نهاد مردم بوجود نیاورند * موفقیت شما و همه عناصر طرفدار انقلاب را از
حق متعال خواهانم *

یاسوج - حاج سید کرامت الله ملک حسینی

۱۳۵۸/۷/۱۶

* این اعلامیه جهت چاپ بروزنامه جمهوری اسلامی مخابره شده است *

پیوست شماره ۵

۲۱
حسین تعالی شانه

با اطلاع عموم اهالی میزاند

در آگاه انقلاب اسلامی در پاسخ از امر و شروع بکار کرد بدیهی است
بفوریت پرونده‌ها مورد بررسی و تحقیق از نظر دادستان قرار میگیرد
و متهمین و زندانیان یکی بعد از دیگری معرفی و بعد از تحقیقات
الشان به حکم نهایی نسبت به هر یک از افراد متهمین به مجرمیت یا
خواهد شد بکشیه ۷/ ۵/ ۱۳۵۸ حاج سید کریم شکیبایی

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آشوری داریوش (۱۳۷۳)، دانشنامه سیاسی، ویرایش دوم، تهران، نشر مروارید.
۴. استوار سنگری، کورش (۱۳۸۴)، حقوق تأمین اجتماعی، تهران، نشر میزان.
۵. بخشنامه حقوق شهروندی؛ قوه قضائیه.
۶. پللو، روبیر (۱۳۷۰)، شهروند و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۷. جزوه حقوق اساسی و حقوق شهروندی
۸. خلیلیان، سید خلیل (۱۳۶۲)، حقوق بین الملل اسلامی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۰. رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی، تهران، نشر آریان.
۱۱. سلجوقی، محمود (۱۳۷۰)، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. شریعتی، روح الله (۱۳۸۵)، حقوق اقلیت‌ها در حکومت نبوی، قم، فصلنامه تخصصی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال نهم، شماره ۳۵.
۱۳. شجیعی زهرا، (۱۳۷۲)، نخبگان سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، سخن.
۱۴. شبانی، ملیحه (۱۳۸۴)، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه، و تأمین اجتماعی، تهران، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، شماره ۱.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۰)، حقوق اقلیت‌ها، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۸)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۷. فالكس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.
۱۸. فصلنامه دبیرخانه علوم اجتماعی؛ سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان شماره ۲، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۵
19. O'Leary, S. & Tiilikainen, (1998), Citizenship and Nationality Status in the New Europe, London, Sweet & Maxwell